

Lite Arrangement, Youth and Challenges Facing the New Islamic Civilization; Emphasis on Academic Elites

Behnam Sarkheil *

Received: 2020/03/11

Accepted: 2020/07/18

Abstract

With the expansion of developments and new interactions, young people and new generations have been largely influenced by new dimensions of elite and social character design in forms such as symbolic elites (movie, sports and art stars). This issue may become a serious challenge when this new group of elites acts as the main drivers of society and practically replace the intellectual elites and turn to specialized issues and macro-policies of societies such as political and economic lines, and even ideologically undertake.

Objective: The present study seeks to address the question of how scientific elites can return to their original position for the development and progress of the Islamic world with a futuristic research approach and script writing method. **Main Hypothesis:** Elites and thinkers achieve the intellectual authority and leadership of societies if they can, firstly, in accordance with the original characteristics of societies, recognize the needs and demands of the people, and secondly by using new capacities and interaction methods such as cyberspace and Accompanying symbolic elites to turn their ideas into pervasive values in society.

Findings: The expansion of international interactions such as cyberspace provides new opportunities for the intellectual elites of the Islamic world by relying on the common values and beliefs of the Islamic world regarding human dignity can also cause internal influences for development. And be considered as one of the main drivers for the convergence of the Islamic world.

Keywords: Intellectual elites, celebrities, university, modern Islamic civilization, the Islamic world

* Assistant Professor of Political Science, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, I.R.Iran.
sarkheil@soc.ikiu.ac.ir

چینش نخبگانی، جوانان و چالش‌های پیش روی تمدن نوین اسلامی؛ تأکید بر نخبگان دانشگاهی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

بهنام سرخیل *

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

چکیده

همگام با گسترش تحولات شگرف و تعاملات نوین، جوانان و نسل‌های جدید عمدتاً تحت تأثیر ابعاد جدیدی از نقش‌آفرینی نخبگانی و شخصیت‌های اجتماعی در قالب‌هایی نظیر نخبگان سمبولیک (ستارگان سینمایی، ورزشی و هنری) قرار گرفته‌اند. اگرچه در نگاه نخست، تغییر در وضعیت و چیدمان نخبگانی، محصول طبیعی شرایط و مقتضیات زمانی محسوب شده و می‌تواند تأثیرات مفیدی بر جامعه داشته باشد، اما این موضوع زمانی تبدیل به چالش جدی خواهد شد که این گروه جدید از نخبگان در نقش پیشران‌های اصلی جامعه عمل نموده و عملاً جایگزین نخبگان فکری شده و به موضوعات تخصصی و سیاست‌های کلان جوامع نظیر خط‌دهی‌های سیاسی، اقتصادی و حتی ایدئولوژیک مبادرت نمایند.


هدف: پژوهش حاضر درصدد است با روش سناریونویسی و رویکرد آینده‌پژوهی به این پرسش پردازد که نخبگان علمی در مواجهه با تحولات الگوهای اثرگذاری نخبگان در جوامع، چگونه می‌توانند به جایگاه اصلی خود جهت توسعه و پیشرفت جهان اسلام بازگردند؟ **فرضیه اصلی:** نخبگان و اندیشمندان در صورتی به مرجعیت فکری و راهبری جوامع نائل می‌شوند که بتوانند اولاً متناسب با ویژگی‌های اصیل جوامع، شناخت نیازها و مطالبات مردمی و ثانیاً با بکارگیری ظرفیت‌ها و شیوه‌های تعاملاتی جدید مانند فضای مجازی و همراه‌سازی نخبگان سمبولیک، ایده‌های خود را تبدیل به ارزش‌های فراگیر در جامعه نمایند. یافته پژوهش: گسترش تعاملات بین‌المللی مانند فضای مجازی فرصت‌های نوینی فراهم می‌نماید تا نخبگان فکری جهان اسلام با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای مشترک جهان‌شمول اسلامی ناظر بر کرامت انسانی بتوانند علاوه بر تأثیرگذاری‌های داخلی جهت توسعه، به عنوان یکی از پیشران‌های اصلی جهت همگرایی جهان اسلام محسوب شوند.

واژگان کلیدی: نخبگان فکری، سلب‌ریتی، دانشگاه، تمدن نوین اسلامی، جهان اسلام.

* (مقاله منتخب پنجمین هفته علمی تمدن نوین اسلامی) *

* استادیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، جمهوری اسلامی ایران.

sarkheil@soc.ikiu.ac.ir

 0000-0001-6916-2567

مقدمه

پیشرفت و توسعه از جمله مباحث بسیار مهمی هستند که به دلیل فراگیری در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به صورت طبیعی بخش‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و همواره یکی از اهداف غایی در طراحی الگوها و مدل‌های مطلوب زندگی محسوب شده‌اند. چنانچه اسلام به منزله نقطه کانونی و دال مرکزی جهت شناسایی و هویت بخشی جوامع و دول اسلامی در قالب جهان اسلام محسوب شود، موضوع رشد و توسعه در جهان اسلام از ویژگی‌های معناداری برخوردار بوده و می‌توان به کمک مبانی و چارچوب‌های اصولی به ترسیم جامعه مطلوب در قالب تمدن نوین اسلامی پرداخت. اما بررسی جوامع اسلامی و شاخص‌های توسعه در جهان اسلام نشان‌دهنده وجود تعارضات شدیدی است. به گونه‌ای که برخی از فقیرترین و ثروتمندترین دولت‌های نظام بین‌الملل کنونی در جهان اسلام قرار دارند.

از سوی دیگر رشد و توسعه در جهان اسلام عمدتاً جامع‌نگر نبوده و بیشتر به دلیل تکیه بر برخی رویکردهای اقتصادی و تکنولوژیک موجب شده تا مقولاتی همچون توسعه سیاسی و فرهنگی در اولویت نباشد. برای نمونه در خاورمیانه و شمال‌آفریقا که بخش مهمی از جهان اسلام شناخته می‌شود، درآمد سرانه به جای توسعه انسانی مدنظر بوده و در بخش‌هایی از آن رده بالایی را به خود اختصاص داده است. این بدین معنی است که اغلب دولت‌ها در خصوص تبدیل ثروت به سایر حوزه‌های امور اجتماعی و فرهنگی مانند سبک‌ها و الگوهای معطوف به بهبود زندگی شهروندان کمتر توجه داشته‌اند.

طبق یک دسته‌بندی کلی، بخش مهمی از مشکلات توسعه در جهان اسلام به چالش‌های درونی مانند عوارض ناشی از سوء مدیریت‌ها، برخوردهای دیپلماتیک میان نیروهای چالش‌گر مدرنیته و ماندگاری سنت مربوط است. به نحوی که

بسیاری از جوامع اسلامی در دوره‌گذار قرار داشته و مرحله‌ای از انتقال را طی می‌کنند که عملاً شرایط مساعد رشد همه‌جانبه را محدود نموده و با موانع زیادی همچون مهاجرت‌های گسترده، بیکاری، شکل‌گیری طبقات جدید مانند لومپن‌ها مواجه کرده است.

برای نمونه می‌توان به گروه‌های جدیدی که در سطح بین‌المللی به 'NEET'ها گفته می‌شود، نام برد که نه در حال تحصیلند، نه مشغول مهارت‌آموزی و نه در جایی مشغول به کار هستند. این گروه‌ها علاوه بر افزایش فشار اقتصادی از طریق وابستگی به سرپرست خانوار، زمینه بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی را با خود داشته و حتی یک چالش امنیتی محسوب می‌شوند. بررسی جدیدترین گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد ترکیب سنی افراد و همچنین الگوی جغرافیایی این دسته دارای بالاترین نرخ در جهان اسلام است. (<https://www.ilo.org/global/>)

این درحالی است که بخش دیگری از مشکلات جهان اسلام ناظر بر مؤلفه‌های بیرونی و مداخلات خارجی بوده که ناشی از دلایل مختلفی بویژه برخورداری از موقعیت‌های ژئواکونومیک و ژئوکالچر اغلب کشورهای جهان اسلام در سطح بین‌المللی و تمایل شدید قدرت‌های بزرگ جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن است. مسائل جهان اسلام تحت تأثیر برخی بحران‌های امنیتی-سیاسی بین‌المللی قرار داشته و تا حد زیادی وابسته به تحولات برون‌منطقه‌ای بوده و متغیرهای خارجی حتی منشاء بروز، ظهور و یا شدت رقابت‌های درون‌منطقه‌ای در جهان اسلام و عرب شده‌اند.

به عقیده بسیاری از اندیشمندان از زمان جنگ‌های صلیبی، غرب به موازات

¹ NEET stands for Not in Education, Employment or Training. The Youth NEET rate is the percentage of people between 15 and 24 years old who are NEETs

قدرت‌یابی در عرصه ورود به نظام بین‌الملل جدید درصدد بوده که حاکمیت و اقتدار خود را در آن نهادینه نماید (دهشیار، ۱۳۹۰، صص ۸۸-۸۰). برای نمونه بخش مهمی از منازعات اعراب و رژیم اسرائیل و تداوم بحران‌های رژیم صهیونیستی وابسته به رویکردها و حمایت‌های بازیگران بزرگ و قدرت‌های خارجی نسبت به آن است. به هر تقدیر بررسی چالش‌ها و مشکلات جهان اسلام نشان‌دهنده وجود انواع بحران‌ها و شکاف‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در قالب‌هایی نظیر سنت-مدرنیسم، فقر-غنا، دموکراسی-استبداد و نیز اشکال مختلف جنسیتی، نسلی و قومی است.

بررسی چالش‌های جهان اسلام و این موضوع که چرا جهان اسلام به کندی در مسیر رشد و توسعه حرکت می‌کند و یا اینکه چگونه و در چه شرایطی، این قبیل مشکلات می‌توانند بطور مستقل یا درهم تنیده بر آینده جهان اسلام تأثیرگذار باشند؟ تحت تأثیر انواع نااطمینانی‌ها^۱ از جمله شرایط جامعه و مؤلفه‌های سازنده آن نظیر چگونگی فعال شدن نیروهای اجتماعی و میزان نقش‌آفرینی آن‌ها بوده و در این میان نقش محرک‌ها و پیش‌ران‌های^۲ داخلی را برجسته می‌سازد. به گونه‌ای که چگونگی نقش‌آفرینی کارگزاران و نیروهای مؤثر بر اجتماع می‌تواند به منزله پیش‌ران‌های درونی موجب تحول و حرکت در مسیر جامعه مطلوب و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی شده و یا در اثر عدم وضعیت‌شناسی و درک مطالبات و مقتضیات، موجب هدر رفت ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیش‌رو شوند.

برای نمونه شکل‌گیری خیزش‌های مردمی پس از ۲۰۱۱م در کشورهای اسلامی مانند مصر اگرچه همزمان متأثر از نادیده گرفتن نیازهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در قالب فعال شدن چندین شکاف مانند فقر-غنا و استبداد-دموکراسی و

¹ Uncertainty

² Driver

مبتنی بر مبارزه با استبدادحاکم و آزادیخواهی بود، در عین حال ملاحظه می‌شود که این خیزش نتوانست از عمق لازم برخوردار شده و در ادامه مسیر به انحراف کشیده شود و عملاً نخبگان فکری و دانشگاهی (مانند نخبگان دانشگاه الازهر) نتوانند نقش ممتازی در مدیریت و راهبری مطالبات ایفا کنند. به عبارت دیگر با وجود نارضایتی گسترده در جامعه مصر نسبت به وضعیت اقتصادی، فقر و بیکاری، عواملی مانند تصلب در ساختار قدرت در دست حسنی مبارک و تمرکز بر ثروت و تسلط بر مراکز فکری توسط طبقه حاکم باعث شد تا عملاً امکان بهره‌گیری از نیروهای اجتماعی مانند اندیشمندان دانشگاهی جهت شناسایی، سازماندهی و پاسخ به نیازها و مطالبات عمومی جامعه ایجاد نشود و انرژی پراکنده‌ای که می‌توانست جهت رشد جامعه بکار گرفته شده و به جنبشی انقلابی بدل شود، ناکام ماند.

بر همین اساس مقاله حاضر درصدد است تا ضمن اشاره به انواع گروه‌های نخبگانی و چالش‌های پیش‌روی جهان اسلام، به "نقش و جایگاه نخبگان فکری" به منزله پیش‌ران‌های اجتماعی به ویژه در حوزه ایده‌ها، باورها و انگیزه‌های جامعه و نهایتاً تأثیر آن‌ها بر تغییر و تحولات اجتماعی بپردازد.

این مسئله زمانی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که ریشه بسیاری از چالش‌های جهان اسلام ناشی از سطحی‌نگری، ضعف در نگاه به درون و عدم بهره‌گیری از رویکردهای عمیق به بحران‌ها و موانع توسعه بوده و نخبگان، اساتید و دانشگاهیان از جایگاه محوری و مرجعیت فکری خود دور شده‌اند. نکته حائز اهمیت دیگر آنکه درک رفتار توده‌ها بدون در نظر گرفتن نقش برجسته گروه‌های تأثیرگذار علی-الخصوص نخبگان دشوار بوده و از این منظر پرداخت به حوزه‌های نخبگانی بسیار جدی و درخور برنامه‌ریزی علمی و اصولی است.

۱. پیشینه پژوهش

موضوع تمدن نوین اسلامی از جمله مباحث جدید در سطح آکادمیک است که

نیازمند پژوهش‌های علمی و مستند بوده و بیشترین فعالیت در این حوزه را "دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی" دانشگاه شاهد به فراخور عنوان نشریه و اهمیت این موضوع مهم در دستور کار قرار داده است. برای نمونه کاظمی (۱۳۹۷) در دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی به بررسی "چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی" پرداخته و وضعیت امروزی جهان اسلام را که به-رغم ظرفیت‌های بسیار بالای تمدن سازی، هنوز با مشکلات و بحران‌های فراوانی همراه است را مورد مطالعه قرار داده است. اگرچه این تحقیق در تلاش است با مدل چشم‌اندازسازی ارگون که فرایندی متشکل از چهار گام است به افق‌شناسی تمدن نوین اسلامی بپردازد، اما عموماً نگاه این دسته از مقالات به ترسیم ابعاد کلی تمدن نوین اسلامی بوده و مؤلفه‌های سازنده آن به خصوص "عوامل کارگزاری مانند نخبگان" را کمتر بررسی کرده‌اند. اما پژوهش حاضر بصورت مشخص به بررسی نقش و تأثیرات نخبگان در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تمرکز نموده است.

از سوی دیگر اگرچه برخی از پژوهش‌های جدید اشاراتی به مباحث مربوط به نخبگان و همچنین نقش و تأثیرات آن‌ها در برخی موضوعات کلان جوامع نظیر توسعه، سیاست‌گذاری‌های سیاسی و اجتماعی و نظایر آن داشته‌اند، اما این دسته از مقالات نیز غالباً یا از بعد ساختاری به موضوعات نگریسته و کمتر به عوامل کارگزاری نگریسته‌اند و یا به صورت مشخص به تمدن نوین اسلامی تکیه نکرده‌اند. برای نمونه صفی‌خانی (۱۳۹۹) در مقاله "نقش نخبگان بر تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی با تأکید بر نظام جمهوری اسلامی ایران" در فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی به جایگاه نخبگان سیاسی بر حق تعیین سرنوشت در گفتمان امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی و قانون اساسی پرداخته و مؤلفه‌های اعتماد افقی و عمودی با محوریت ورود اقشار مختلف به عرصه سیاست و

تصمیم‌سازی را بررسی نموده است.

همچنین علیرضا کولیوند (۱۳۹۹) در مقاله "نقش مدیریت ارتباطات در شناسایی نخبگان سازمان‌های انتظامی و امنیتی" در چارچوب بررسی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی به نقش نخبگان در توسعه کشورها، به‌خصوص در زمینه تولید علم، هنر و فناوری اشاره کرده است.

در بررسی نوآوری پیشینه پژوهش حاضر باید افزود برخی از مقالات نیز به نقش نخبگان در یک موضوع خاص مانند افراط‌گرایی، اخلاق، دموکراسی پرداخته‌اند. برای مثال مجتبی دهدار (۱۳۹۹) در فصلنامه آفاق علوم انسانی مقاله "نقش نخبگان و دانشگاهیان در مقابله با افراط‌گرایی" را به رشته تحریر درآورده و با اشاره به تأثیرات افراد مختلف در جوامع و مهار بحران‌هایی همچون افراط‌گرایی به نخبگان دانشگاهی در این زمینه تصریح کرده و نقش نخبگان و دانشگاهیان در مقابله با افراط‌گرایی را برجسته نموده است.

چنانچه ملاحظه می‌شود اغلب فعالیت‌های پژوهشی صورت گرفته بدون در نظر گرفتن حوزه مطالعات تمدن نوین اسلامی صورت پذیرفته و کمتر از منظر مسائل جهان اسلام مورد نگارش قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر در توضیح نوآوری پژوهش باید افزود مقاله حاضر به نقش نخبگان علمی با در نظر گرفتن واقعیات جدید به ویژه تغییرات جدید در حوزه نخبگانی (مانند تقویت نقش سلبریتی‌ها) پرداخته و تلاش دارد با نگاهی نوآورانه به یکی از دغدغه‌های مهم یعنی بازسازی نقش نخبگان علمی گام بردارد. موضوع بسیار مهمی که پرداختن علمی به آن می‌تواند تأثیرات به‌سزایی جهت اجرا و تحقق جدی "سند راهبردی امور نخبگان" مورد تأکید مقام معظم رهبری شود. (بیانات رهبری، دیدار با نخبگان، ۹۸/۰۹/۱۷)

۲. چارچوب نظری

۱-۲ نخبگان؛ پیشران‌های اجتماعی

تعاریف و دسته‌بندی‌های مختلفی از نخبگان به عمل آمده و نقش‌های مختلفی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. برای نمونه پاره‌تو که از جمله اندیشمندان برجسته در حوزه مباحث بررسی نقش کارگزاری در جوامع و از مبدعان ایده چرخش نخبگان محسوب می‌شود، بر اساس نگاه سیستمی که به جامعه داشته و اهمیتی که به مقوله تعادل و سازوکارهای آن در تحولات اجتماعی دارد، تحرک اجتماعی را در قالب ظهور گروه‌های نخبه جدید مورد توجه قرار داده است. یا اینکه موسکا نخبگان را در چارچوب نوعی طبقه و گروه اجتماعی معرفی می‌کند که حرکت تاریخ تحت تأثیر منافع و ایده‌های آن‌ها است (غفاری، ۱۳۹۳، صص ۹-۱۱۸).

در یک تعریف کلی نخبگان به اشخاص و گروه‌هایی اطلاق می‌شود که در نتیجه توانایی نفوذ و تأثیرگذاری که در ابعاد مختلف به وجود می‌آورند، به طرق گوناگون مانند تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند و یا امکان اثرگذاری بر ایده‌ها، احساسات و یا هیجانات عمومی دارند، در کنش‌های یک یا چند جامعه مؤثر واقع می‌شوند.

در مقاله حاضر از چارچوب نظری گی روشه^۱ (۱۹۲۴م) جامعه‌شناس برجسته کانادایی در زمینه تبیین نقش نخبگان استفاده شده است. (نمودار ۱-۲) زیرا اولاً وی با الهام از ماکس وبر به طبقه‌بندی از نخبگان پرداخته و نه فقط "حاکمیت" بلکه ملاک "نفوذ" را در دسته‌بندی شش‌گانه از نخبگان ارائه داده است. موضوعی که امروزه در پی تحولات ارتباطی دارای جایگاه و اشکال جدیدی شده است. ثانیاً وی

¹ Guy Rocher

به طبقه نخبگان سمبولیک اشاره کرده که در دهه‌های اخیر رفته رفته از اهمیت و نقش بسیار مهمی در سطوح مختلف معادلات اجتماعی برخوردار شده‌اند.



نمودار ۱-۲ نخبگان در نقش پیش‌ران‌های تحولات سیاسی-اجتماعی

۲-۱-۱. نخبگان سنتی

این دسته از نخبگان بخش مهمی از تأثیرگذاری و نفوذ خود را از ساخت‌های اجتماعی، ایده‌ها و اعتقاداتی بدست می‌آورند که ریشه در گذشته‌ای دور داشته و مبتنی بر راه و رسم سنتی طولانی‌اند. با این تعریف، اشراف و برگزیدگان اریستوکراتیک جزء نخبگان سنتی محسوب می‌شوند. زیرا اعتبار آن‌ها براساس نژاد، اصل و نسب آنان بوده و برای نمونه رئیس سنتی یک قبیله حاکمیت خود را ناشی از آن می‌داند که جانشین رئیس قبلی است. همچنین می‌توان نخبگان مذهبی را تا حدی در قالب نخبگان سنتی قلمداد نمود. زیرا این گروه نیز قسمت قابل توجهی از حاکمیت یا نفوذ خود را مبتنی بر احترام نسبت به بعضی از حقایق کسب می‌کنند که در زمان‌های پیشین آشکار گردیده و یا متکی بر سنتی طولانی است که ارزش خود را از آن گرفته‌اند.

۲-۱-۲. نخبگان تکنوکراتیک

مهم‌ترین ویژگی نخبگان تکنوکراتیک، انتساب آن‌ها به ساختی رسمی یا اداری

است. به گونه‌ای که اقتدار آن‌ها بر اساس دوگانه‌ای استوار شده است که اولاً این نخبگان بر اساس قوانین وضع شده، شناخته شده و رایج انتخاب شده‌اند و ثانیاً این انتخاب به دلیل دارا بودن بعضی صلاحیت‌ها و قابلیت‌های مبتنی بر ملاک‌های مشخص صورت گرفته است.

طبیعتاً این دسته از نخبگان متشکل از قشر برتر مدیران و کارمندان عالی‌رتبه‌ای خواهد بود که می‌توان آن را در دولت، مؤسسات دولتی، اتحادیه‌های صنعتی یا مالی و نظایر آن ملاحظه کرد.

۳-۱-۲. نخبگان مالکیت

همانگونه که از عنوان این دسته نخبگانی مشخص است، مالکیت در ثروت و اموال منشاء اثر و توانایی این گروه جهت کسب نوعی از (اقتدار) یا (قدرت) بوده است. به نحوی که مالکیت در اموال و ثروت باعث تسلط آنان بر نیروی کاری گردیده و حتی به آن‌ها امکان می‌دهد که بتوانند بر روی سایر نخبگان سستی و یا تکنوکراتیک فشارهایی وارد سازند و در نتیجه برای خود قدرت اجتماعی کسب نمایند.

۳-۱-۴. نخبگان کاریزمایی

این دسته از نخبگان را که ماکس وبر نیز در تقسیم‌بندی خود مورد توجه قرار داده و به‌طور خاص نقش اقتدار و مشروعیت کاریزماتیک را بررسی نموده است. گروه مورد اشاره نخبگانی هستند که خصوصیات خارق العاده به آنان نسبت داده می‌شود. یعنی اقتدار و نفوذی که این نخبگان به شخصیت و ویژگی‌های شخصی آنان مرتبط بوده و ناشی از پست، اموال یا ثروت آن‌ها نیست. بنابراین نخبگی کاریزماتیک از شخصی به شخص دیگر متفاوت بوده و با توجه به خصوصیات شخصی جنبه فردی می‌یابد.

۵-۱-۲. نخبگان فکری یا معنوی

نخبگان فکری بیش از سایر گروه‌ها متکی به حوزه اندیشه‌ورزی و جنبه‌های فکری و ایدئولوژیک بوده و متشکل از اشخاص یا گروه‌هایی است که حول اندیشه و ایدئولوژی معینی جمع شده یا در به وجود آمدن ایدئولوژی خاصی سهیم هستند و به نحوی اندیشه مشخصی را اشاعه داده و منتشر می‌کنند.

همانطور که میلز می‌گوید، این دسته از نخبگان لزوماً جزیی از (نخبگان قدرت) نیستند و می‌توانند نخبگان صاحب نفوذ ولی بدون اقتدار و حاکمیت رسمی باشند. لذا در این قالب می‌توان به نخبگان مخالفی اشاره کرد که قدرت حاکم را نفی نموده یا مورد اعتراض قرار می‌دهند (گی‌روشه، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷).

نخبگان معنوی اگرچه ممکن است از اقتدار و قدرت رسمی چندانی برخوردار نباشند اما از آنجا که دارای نفوذ و اعتبار فکری برخوردارند اغلب می‌توانند دگرگونی‌های ساختی آینده را سبب شوند. به عبارت دیگر نخبگان فکری از ظرفیت‌های لازم جهت تغییر وضع موجود برخوردارند. درحالی که نخبگان قدرت (نخبگان حاکم) معمولاً درصدد مخالفت با دگرگونی‌ها یا انطباق با آنها هستند. بنابراین نوآورترین و مترقی‌ترین نخبگان در میان نخبگان فکری و معنوی وجود دارند که معمولاً قدرت را در دست نداشته و فاقد پست‌های حاکمیتی هستند.

۶-۱-۲. نخبگان سمبولیک

نخبگان سمبولیک با توجه به برخی تحولات ارتباطی و فراهم شدن زمینه‌های بروز عمومی از اهمیت روبه‌رشدی برخوردارند. در معرفی ویژگی‌های این دسته باید گفت این افراد دارای خصوصیت‌های سمبولیک هستند. به این معنی که در نظر کسانی که از آنها پیروی می‌نمایند و یا حتی با آنها به مخالفت برمی‌خیزند، از ارزش و جایگاه سمبولیک خاصی بهره‌مند هستند. به گونه‌ای که ارزش‌ها، ایده‌ها، سمبول‌های وضعیت موجود، نهادها و ایده‌های جدید در آنها متبلور است. این

حالت معمولاً مربوط به افراد یا گروه‌هایی می‌شود که الگوهایی از بعضی رفتار، کردار، افکار، خصوصیات و ارزش‌ها هستند.

برای مثال ورزش‌کاران و هنرمندان شناخته شده نمونه‌ای از این نخبگان هستند که در نظر بخش‌های مختلف جامعه بخصوص جوانان و نوجوانان در قالب قهرمانانی در می‌آیند و چه بسا در جایگاه مظهر و سمبل مفاهیمی همچون جوانی، عشق، شادی، سنت‌شکنی و صفات عامه‌پسندی از این قبیل باشند. میزان نفوذ و تأثیر این نخبگان بر گروه‌های مختلف اجتماعی تا حد زیادی تحت تأثیر نفوذ و گسترش رسانه‌های ارتباطی جدید بوده تا جاییکه رفته رفته به یکی از نخبگان مؤثر در حوزه‌های گوناگون بدل شده‌اند.

۲-۲ نخبگان، ایدئولوژی‌ها و عدم قطعیت‌ها

هر جامعه انسانی تحت تأثیر کنش‌های اجتماعی مجموعه بازیگران آن قرار داشته و بر همین اساس ایده‌ها، باورها و انگیزه‌های بازیگران، بخش مهمی از تعاملات اجتماعی را شکل داده و به حرکت و اقدام در مسیری معین سوق داده و یا از سایر راه‌ها و انتخاب‌های ممکن بر حذر می‌دارند.

در همین چارچوب بسیاری از تغییر و تحولات اجتماعی و پیشرفت‌های علمی وابسته به ارزش‌ها، تفکرات و جهان‌بینی‌های خاص نظیر جهت‌یابی‌های مذهبی یک جامعه خواهد بود. ارزش‌ها و باورهای فرهنگی به عنوان یکی از عوامل اصلی تغییرات یا عواملی که در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند، محسوب شده که اولاً این عامل نیز مثل سایر عوامل، به صورت تنها و مستقل کافی نبوده و بنابراین آن فرضی که "ایده دنیا را می‌سازد" به تنهایی موجب تغییر و تحولات اجتماعی نیست و اگرچه آگاهی‌ها و یا ایستارها می‌توانند آثار مختلفی بر تغییر اجتماعی داشته باشند، ولی این آثار با دیگر عوامل در ارتباط بوده و تک‌سبب بینی کلاسیکی که افکار برخی اندیشمندان نظیر آگوست کنت را دربرگرفته باید با رابطه علی

چندعاملی یا چندسبب بینی جایگزین گردد.

ثانیا ایده‌ها زمانی می‌توانند بر تغییر اجتماعی مؤثر واقع شوند که توسط سایر عوامل از جمله نخبگان و اندیشمندان تبدیل به ارزش‌های فراگیری شوند که قادر به تحریک انگیزه‌ای قوی در جامعه شده و یا به صورت یک سیستم ایدئولوژیکی پیشنهادی به تمامی مردم یک جامعه عرضه گردند.

این درحالی است که تأثیرگذاری واقعی ایده‌ها و ارزش‌ها بدون در نظر گرفتن کارگزاران به ویژه نخبگان فکری و کادر فرهنگی و آموزشی جوامع را نمی‌توان تصور نمود و در واقع تفکرات، ایستارها و ارزش‌ها در قالب نشر و پیاده‌سازی توسط کارگزاران به منصفه ظهور می‌رسند. با این وصف می‌توان گفت نخبگان فکری از دو منظر می‌توانند در نقش پیش‌ران‌های اصلی یک جامعه عمل نمایند. بعد اول ناظر به جایگاه و نوع بازیگری آن‌ها به منزله طبقه‌ای که دارای ویژگی‌ها و شاخص‌های علمی بالایی نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی است. اما بعد دوم که موجب می‌شود نخبگان فکری نقش پررنگی در قالب پیش‌ران‌های اصلی ایفا نمایند، مربوط به نقش نخبگان در تولید و بسط افکار و ایدئولوژی‌ها است.

در واقع ایدئولوژی با توجیه، ترسیم و تفسیر یک وضعیت تلاش می‌کند ضمن تشریح ارزش‌ها، سیستمی از ایده‌ها، قضاوت‌ها و تفکرات را معرفی کند که می‌تواند باعث ظاهر شدن احساسات و تفکراتی که تاکنون به صورت ناآگاه و یا نیمه آگاه بوده‌اند گردد. به بیان دیگر، ایدئولوژی‌ها بستری را فراهم می‌کنند تا ایده‌ها و احساسات در قالب کلمات و فرمول‌هایی بیان شده و در واقع به منزله یک جریان آگاهی‌ساز تلقی شوند.

از جانب دیگر ایدئولوژی‌ها امکان ترسیم آینده‌های مطلوب بر اساس شرایط و مطالبات جدید را بوجود آورده و حتی موجب شناسایی تمایلات و آرزوهای عمومی و مردمی که پیش از این ابراز نشده‌اند را مهیا می‌کنند. این موضوع با توجه

به تحولات جدید در جهان اسلام و ضرورت بازخوانی و بازسازی ایده‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار بوده و با عطف توجه به آینده، امیدهای جدید برای تحول و توسعه را گسترش می‌دهد.

بر حسب نحوه عمل و اینکه چه نوع افکار، باورها و ایدئولوژی‌هایی در جامعه مورد توجه قرار گیرند می‌توان عدم قطعیت‌های مختلفی را مورد بررسی قرار داد. برای نمونه چنانچه ایدئولوژی دربرگیرنده طرح ترقی‌خواهانه‌ای برای تغییر وضعیت موجود باشد، اصلاح طلب نامیده می‌شود. اما اگر به وسایل و طرق شدید مثل شورش و تهدید، انهدام و دگرگونی نظم و ارزش‌های موجود متوسل گردد، انقلابی تلقی می‌شود. یا اینکه از لحاظ محتوا چنانچه ایدئولوژی راه‌حل‌هایی ارائه دهد که مستلزم برگشت به گذشته و مستلزم سیر قهقرایی جامعه باشد، ارتجاعی و اگر درصدد حفظ وضع موجود باشد، محافظه کارانه محسوب می‌شود. در مقابل اگر هدفش قطع رابطه کامل یا تقریباً کامل با وضعیت موجود باشد، رادیکال شناخته می‌شود.

بطورکلی ایدئولوژی ممکن است هم به وجود آورنده دگرگونی باشد و هم با آن به مخالفت برخیزد، یعنی در عین حال هم ممکن است وحدت و یگانگی به وجود آورد و هم اشتقاق و مخالفت، و این خاصیت در حقیقت در ذات ایدئولوژی است که در عین حال هم پیونددهنده باشد و هم جدایی‌طلبی را موجب گردد. به‌گونه‌ای که در حالت نخست، ایدئولوژی، افراد را به پیوستن و وحدت با یک (ما) می‌خواند و منافع جمعی را طلب می‌کند و کنش جمعی واحدی را پیشنهاد می‌کند.

اما گاهی نیز ایدئولوژی مناقشات و تضادهای حقیقی گروه‌های مختلف را در پرده استتار نگه داشته و یا اینکه صریحاً پیشنهاد می‌کند که لااقل آن‌ها را موقتا فراموش نمایند. با این وصف، ایدئولوژی می‌تواند موجب ایجاد اختلاف و دسته-

بندی‌های اجتماعی نیز گردد، بدین ترتیب که در همان جایی که ایدئولوژی باعث تمرکز افراد می‌گردد، موجب متمایز کردن و جدا کردن عده دیگر نیز می‌گردد، به عبارت دیگر ایدئولوژی بین کسانی که با (ما) بستگی دارند و کسانی که نمی‌توانند با(ما) باشند، تمایز برقرار می‌سازد(گی روشه، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵).

۳. انقلاب ارتباطی و سناریوهای مختلف در نقش نخبگانی

انقلاب در حوزه ارتباطی و تحولات شگرف تکنولوژیک از جمله مؤلفه‌هایی هستند که به خودی خود نه تنها تغییرات عمیقی در جوامع مختلف و به تبع آن نظام بین‌الملل به وجود آورده‌اند، بلکه نقش به‌سزایی در تأثیرگذاری و جایگاه سایر متغیرها بر جوامع در حال توسعه نظیر جهان اسلام داشته و به اشکال گوناگون زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی را دستخوش تغییر کرده و مسائلی همچون جریان صنعتی شدن، رشد شهرنشینی، افزایش تولید را شدت بخشیده‌اند.

در گامی عمیق‌تر، انقلاب ارتباطی در حقیقت مجموعه معادلات اجتماعی و انسانی از جمله پارامترها و پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های کلان جوامع را متحول کرده و در مواردی اولویت‌بندی‌ها در میزان نقش‌آفرینی محرک‌های اجتماعی را متأثر کرده‌اند. تا جاییکه ابعاد مختلف زندگی خانوادگی، زندگی مذهبی، ادبیات، هنر، ایستارهای سیاسی و اجتماعی بدون در نظر گرفتن آثار مستقیم و غیرمستقیم تحولات و ابزارهای ارتباطی مانند انواع رسانه‌های مجازی دشوار است.

در همین چارچوب یکی از مهم‌ترین بازتاب‌های تحولات رسانه‌ای و ارتباطی بر کنش‌های اجتماعی، در حوزه نخبگانی و تغییر در جایگاه نخبگان قابل بررسی است. از حیث بازتاب‌های مثبت رسانه بر نخبگان باید گفت رسانه‌ها می‌توانند به کمتر شدن فاصله میان نخبگان نسبت به مسائل و مشکلات جامعه کمک کنند. موضوع مهمی که بی‌توجهی به آن سبب افزایش چالش قدیمی یعنی فاصله میان

نخبگان با بطن جامعه شده و نتیجه آنکه برخی نخبگان به دلیل عدم درک مسائل، مسیر متفاوتی از مردم را در پیش گرفته و نهایتاً موجب تضعیف نقش و جایگاه نخبگان در جامعه شوند.

اما از بعد پیامدهای منفی رسانه می‌توان به نقش‌یابی و حتی تغییر جایگاه نخبگانی اشاره نمود که طی آن نخبگان فکری از جایگاه اصلی خود دور شده و خلاء مذکور توسط سایر گروه‌های نخبگانی که از ویژگی‌های لازم برخوردار نیستند جایگزین شود.

در واقع گسترش تعاملات و ارتباطات نوین، فرصت بی‌بدیلی برای نخبگان سمبولیک بوجود آورده که بخش‌های زیادی از جامعه به‌ویژه جوانان و نسل‌های جدید را تحت تأثیر خود قرار داده و عملاً ابعاد جدیدی از نقش‌آفرینی نخبگانی در سطح کلان اجتماعی را در قالب‌هایی نظیر نخبگان سمبولیک (ستارگان سینمایی، ورزشی و هنری) را کسب نمایند. اگرچه در نگاه نخست، تغییر در وضعیت و چیدمان نخبگانی محصول طبیعی شرایط و مقتضیات زمانی محسوب شده و حتی می‌تواند تأثیرات مفیدی بر جامعه داشته باشد، اما این موضوع زمانی تبدیل به چالش جدی خواهد شد که این گروه جدید از نخبگان در نقش پیشران‌های اصلی جامعه عمل نموده و عملاً جایگزین نخبگان فکری شده و به موضوعات و سیاست‌های کلان نظیر خلاءهای ایدئولوژیک و علمی برای توسعه و رشد جامعه وارد شوند. برای نمونه سلبریتی‌ها به خط‌دهی‌های سیاسی و اقتصادی مبادرت نمایند و چه بسا به دلیل عدم آگاهی عمیق، جامعه را با مشکلات و چالش‌های متعددی مواجه نمایند. چنین وضعیتی بسیار تهدیدآمیز خواهد بود. زیرا در جهانی که خود دارای پیچیدگی‌های بسیار بوده و باید در آن با احتیاط زیاد و بسیار استراتژیک عمل کرد تا منافع خود را به بیشترین حد ممکن با منافع سایرین هماهنگ کرد (چه در سطح فردی و چه در سطح گروهی)، شرایط ناخواسته و

موقعیت‌هایی غیرقابل دفاع به وجود خواهد آمد.

در چنین حالتی امکان اثرگذاری افرادی بدون دانش، مشروعیت، مهارت و شایستگی در نقاط و موضوعات کلیدی فراهم شده و رفتارهای عامیانه‌ای (مثل لومپنیسم و توهین به این و آن درباره هر موضوعی و شخصی کردن مسائل به جای پرداختن به اصل موضوع) به شدت گسترش می‌یابد. شرایطی که باعث از میان بردن ارزش‌ها و شاخص‌های اصلی جامعه شده و جامعه را با آشفتگی و سردرگمی مواجه خواهد نمود.

بر اساس نوع شناخت و استفاده نخبگان فکری از رسانه‌ها و همچنین میزان آگاهی نسبت به مطالبات و نیازهای مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان سناریوهای زیر را مورد بررسی قرار داد. (جدول ۱-۳)

استفاده مطلوب از رسانه	شناخت مطالبات و نیازها	سناریو	اهم نتایج و پیامدها
بله	بله	مطلوب	تثبیت جایگاه نخبگان فکری - سازماندهی مطالبات - الگوسازی - امکان استفاده از ظرفیت سلبریتها - رشد جامعه
بله	خیر	سردرگمی	عدم سازماندهیهای کلان - افزایش گروهها و جریانها مطالبه گر - بروز تشتت و تکرر مطالبات اجتماعی - عدم اولویت بندی مطالبات جهت رفع نیازها
خیر	بله	سطحی فکری	تضعیف جایگاه نخبگان فکری - پراکندگی در مطالبه گریهای اجتماعی - افزایش نقش آفرینی غیرتخصصی سلبریتها و امکان گسترش اختلافات و شکافهای اجتماعی
خیر	خیر	افول و عقب گرد	تغییر چیست نخبگانی و کاهش نقش نخبگان فکری - عدم سازماندهی و الگوسازی - افزایش اختلافات و عدم استفاده از فرصتها - عدم درک اولویتها
جدول ۱-۳ نخبگان فکری و سناریوهای مختلف			

۴. سناریوی مطلوب و نقش نخبگان فکری در جهان اسلام

سناریوی مطلوب در صورتی قابل تصور است که اولاً نخبگان از اهمیت و تأثیر رسانه‌ها بر تحولات و مسائل جامعه آگاهی داشته و به استفاده اصولی (و نه رویکرد حاشیه‌ای) به آن اهتمام ورزند. ثانیاً نسبت به مطالبات، نیازها و همچنین اهداف کلان جامعه که برآمده از باورها، ارزش‌ها و اعتقادات اصیل در جهان اسلام است آگاهی داشته تا بتوانند بر اساس مقتضیات و نیازهای موجود و بر اساس بازخوانی

مبانی اصیل فرهنگی-اجتماعی پاسخ مناسب دهند و در گامی فراتر به طراحی الگوهای تمدن نوین اسلامی مبادرت ورزند. به ویژه آنکه تمدن‌ها همواره با تکیه بر دانش، محتوای خود را گسترش داده و ساختارهای بنیادین خود را توسعه بخشیده‌اند. با این وصف برخی از شاخص‌ها و کارویژه‌های نخبگان فکری در سناریوی مطلوب به شرح زیر است.

۱-۴ مرجعیت فکری نخبگان؛ سازمان‌دهی و الگوسازی تمدن نوین اسلامی

اسلام با نگاه خاصی که از فرهنگ و تمدن بشری ارائه کرده به دانش و جوینده دانش نگاه ویژه‌ای داشته و جویای دانش را جویای رحمت و جوینده دانش را رکن اسلام دانسته و پاداش دانش‌اندوزان را با پیامبران داده است. (کنز العمال: حدیث ۲۸۷۲۹ منتخب میزان الحکمه: ۳۹۸ مشاهده شده تاریخ ۱۲/۰۷/۹۹ در <http://www.hadithlib.com/hadithtxts/view/1204486>) این نگاه اصولی به دانش و تشویق و تحریک مسلمانان به علم‌اندوزی زمینه را برای توسعه علمی فراهم نموده و آن را به یکی از لوازم اصلی تمدن نوین اسلامی بدل می‌سازد و حتی مجوز استفاده از مظاهر و پیشرفت‌های علمی سایر تمدن‌ها را نیز فراهم می‌آورد. از همین رو نهاد علم همواره یکی از اساسی‌ترین عناصر تمدنی در اسلام بوده و احیا و بازسازی اجزای تمدن‌ها همواره بر دوش اندیشمندان و متفکران بوده است.

این درحالی است که تحولات شگرف در قالب جهانی شدن و به ویژه تعاملات فراملی باعث شده تا موضوع سازمان و سازمان‌دهی علاوه بر اینکه عامل بسیار مهمی برای کسب قدرت و نفوذ محسوب شود، وسیله‌ای مؤثر جهت اجرا و تسری نفوذ در لایه‌های مختلف اجتماعی نیز شود. در واقع هیچ نیرو و یا طبقه اجتماعی نمی‌تواند موفق به اثرگذاری شود، مگر آنکه به نوعی از سازمان و مزایای آن برخوردار باشد. در حوزه کارگزاری، بررسی نخبگان در شش دسته پیش گفته

حکایت از آن دارد که میزان نفوذ هر گروه نخبگانی، رابطه مستقیمی با حوزه اثرگذاری طراحی شده خود دارد. برای نمونه نخبگان سنتی تلاش دارند تا با تکیه بر ساخت‌های اجتماعی و اعتقاداتی که ریشه در آداب و رسوم سنتی دارد، حوزه نفوذ خود را از اشراف و برگزیدگان اریستوکراتیک به سطوح مختلف جامعه گسترش دهند.

با این اوصاف در حوزه اثرگذاری فکری در جهان اسلام باید گفت یکی از مهم‌ترین مراکز کانونی که نخبگان در طول تاریخ از آن طریق به سازماندهی و اعمال نفوذ فکری پرداخته‌اند، وجود دارالعلم‌ها و مراکزی بوده که امروزه در قالب دانشگاه و مراکز علمی-آکادمیک شناخته می‌شود. موضوعی که نقش بسیار مهمی در تاریخ جهان اسلام داشته و همواره یکی از مجاری اصلی کمک به رشد و توسعه تمدن اسلامی محسوب شده است.

ایجاد و گسترش مراکز علمی در دوره‌های مختلف تاریخی مختلف مانند بیت الحکمه در بغداد (قرن ۲ه.ق)، دارالعلم فاطمیون در مصر (قرن ۴ه.ق)، جامع بصره، جامع فسطاط، جامع کبیر قیروان، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه در تونس، جامع قرویین فاس و جامع الخصب اصفهان و وجود نظامیه‌ها در بغداد و نیشابور نمونه‌های متعددی است که محل اجتماع دانشمندان، پژوهشگران و مترجمانی بوده که هم کتاب‌های علمی و فلسفی یونانی را به عربی ترجمه می‌کردند (منور جمال، بی‌تا، صص ۱۳۸-۱۱۴). و هم به تولید و نشر دانش و تمدن اسلامی کمک کرده‌اند. مراکز علمی همچون دانشگاه در عین اینکه پایگاه و نقطه اتکای در دسترس اندیشمندان و به ویژه جوانان برای مراجعات علمی و تضارب آراء محسوب می‌شوند، می‌توانند به مثابه محل و کانونی جهت ابراز خواسته‌ها و مطالبات جامعه عمل نموده و علاوه بر کارویژه‌های علمی دارای نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باشند. به بیان دیگر، ساختارهای اجتماعی-فرهنگی جامعه با

مراکز علمی تأثیر متقابل داشته و سازگاری مراکز علمی و ساخت اجتماعی به پیشرفت علمی منجر شده و ناسازگاری ارزش‌های علمی و ارزش‌های اجتماعی از توسعه علم ممانعت بعمل می‌آورد (شیخزاده، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

در همین چارچوب مراکز علمی به منزله نماد و مصداق سازمان‌های فکری قادر خواهند بود با برخورداری از ظرفیت‌های بالا جهت دریافت ایده‌ها، اصلاح و بازسازی افکار و عقاید اولاً به سازمان‌دهی فکری و الگوسازی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمک کنند و ثانیاً علاوه بر کمک به تقویت نفوذ و اثربخشی نخبگان در جامعه سبب شوند تا نخبگان بتوانند بر اساس درک صحیح از نیازهای مختلف و شناسایی چالش‌ها و مشکلات پیش‌رو، امکان بسیج نیروها و عملیاتی‌سازی الگوها جهت رشد و حرکت به سوی تحقق تمدن اسلامی را فراهم نمایند.

۲-۴ نخبگان فکری و تصمیم‌سازی متناسب با مقتضیات

در دهه‌های اخیر با افزایش خدمات آموزشی و امکان تحصیل در کشورهای جهان اسلام، نسبت تحصیل‌کردگان و فعالان فکری رشد چشم‌گیری یافته و عملاً باعث شده تا اولاً برخی از نخبگان فکری به دلیل دارا بودن نقش‌هایی در بخش‌های مختلف نهادها و ساختارهای تصمیم‌گیری، در کنش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت داشته باشند و به همین دلیل اثر آن‌ها مستقیماً ظاهر شود. در واقع می‌توان بخش مهمی از تغییرات اجتماعی یا مقاومت در مقابل تغییرات را به عنوان نتیجه مجموع تصمیمات اتخاذ شده توسط این گروه از نخبگان در نظر گرفت که پست‌های مهم و استراتژیک را بر عهده دارند.

اما بخش بسیار مهم دیگر تأثیرگذاری نخبگان فکری که جنبه غیرمستقیم داشته مربوط به تولید ایده‌ها و افکار و اولویت‌دهی به مطالبات توسط نخبگان است که از این طریق می‌تواند بر سطوح مختلف جامعه و تصمیم‌سازی‌ها اثر داشته و به بسیج

نیروهای اجتماعی منجر شود. در واقع نقطه قوت و شاخصه اصلی نخبگان فکری معطوف به قدرت اندیشه‌ورزی و بازتولید مفاهیم و ایده‌ها جهت رفع مشکلات است. طبیعتاً هر اندازه ایده‌ها و راه‌کارهای تولیدشده متناسب با نیازها، مقتضیات و مبانی سازنده و اصیل باشند از قدرت جذب بالاتری برخوردار خواهند بود.

۳-۴ الگوسازی و عملیاتی‌سازی

نخبگان قسمت عمده‌ای از نفوذ خود را از طریق الگوسازی اعمال می‌کنند. نخبگان فکری معمولاً متناسب با طرز تفکرها و ایدئولوژی‌ها برای برخی دستجات، گروه‌ها و یا بر کل افراد جامعه، قدرت جاذبه داشته و بنابراین مورد تقلید قرار گرفته و به عبارت دقیق‌تر دیگران سعی در همانندسازی خود با آنها دارند. ارزش الگو قرارگرفتن نخبگان، مبتنی بر ارزش‌هایی است که نخبگان پیشنهاد نموده و یا آنها را به صورت نهادی در می‌آورند. این الگوسازی ممکن است بر اساس ارزش‌هایی که قبلاً در جامعه ارائه شده یا منتشر شده تولید شده و یا بر اساس ارزش‌های نو و یا در حال ایجاد شدن واقع شود. در همین راستا نخبگان فکری به منزله کارگزاران فعال در جامعه می‌توانند در عملیاتی‌سازی ایدئولوژی‌ها و ارزش‌ها در جامعه نیز نقش بسزایی ایفا نمایند.

نتیجه‌گیری

مطابق نظریات و دیدگاه‌های معطوف به کارگزار به ویژه در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی، نحوه حضور نخبگان فعال در عرصه اجتماعی-سیاسی و چگونگی نقش‌آفرینی آنها بسیار حائز اهمیت بوده و حتی می‌تواند در قالب یکی از پیشران‌های اصلی تحولات عمده و انقلاب‌ها محسوب شود. این مسئله با توجه به گسترش ارتباطات و انقلاب در عرصه تکنولوژی و دانش با پیچیدگی‌های چندسطحی مواجه شده است. برای نمونه نوع چینش نخبگانی و به تبع آن جایگاه نخبگان دانشگاهی در حوزه‌های گوناگون از شناخت و درک مشکلات، تا

ایدئولوژی پردازی، سازمان‌دهی و استمرار سازوکارهای مربوطه جهت تحقق اهداف و مطالبات کلان اجتماعی را در برمی‌گیرد. در مقابل نادیده انگاشته شدن نقش اصولی نخبگان دانشگاهی و حتی قرارگرفتن در سطوح پایین چینش نخبگانی، آسیب‌های جدی به توسعه و پیشرفت جوامع خواهد زد.

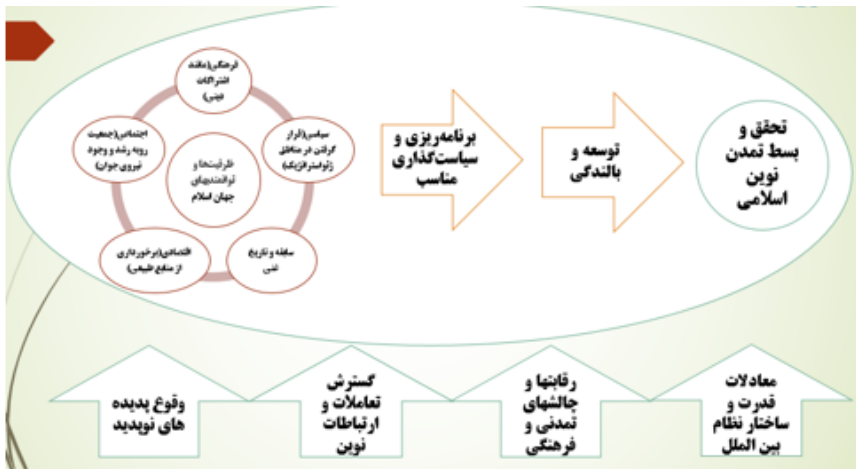
این امر در دوره اخیر که با روند روبه گسترش تعاملات و ارتباطات نوین مواجه بوده، از آن حیث اهمیت می‌یابد که بخش قابل توجهی از جوانان و نسل‌های جدید عمدتاً تحت تأثیر گروه‌های جدیدی از نخبگان و شخصیت‌های اجتماعی در قالب‌هایی نظیر نخبگان سمبولیک (ستارگان سینمایی، ورزشی و هنری) قرار گرفته‌اند. اگرچه در نگاه نخست، تغییر در وضعیت و چیدمان نخبگانی محصول طبیعی شرایط و مقتضیات زمانی محسوب شده و چه بسا تأثیرات مفیدی بر جامعه داشته باشد، اما این موضوع زمانی تبدیل به چالش جدی خواهد شد که این گروه جدید و روبه رشد از نخبگان در نقش پیشران‌های اصلی جامعه در حوزه‌های غیرتخصصی خود عمل نموده و عملاً جایگزین نخبگان فکری شده و به موضوعات و سیاست‌های کلان نظیر خلاءهای ایدئولوژیک و علمی برای توسعه و رشد جامعه وارد شوند. برای نمونه سلبریتی‌ها به خط‌دهی‌های سیاسی و اقتصادی مبادرت نمایند و چه بسا به دلیل عدم آگاهی عمیق، جامعه را با مشکلات و چالش‌های متعددی مواجه نمایند.

به بیان دیگر، جهان اسلام از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف فرهنگی (مانند اشتراکات دینی)، اجتماعی (جمعیت روبه رشد و وجود نیروی جوان) و سیاسی (قرار گرفتن در مناطق ژئواستراتژیک) برخوردار است که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب می‌تواند موجب توسعه و بالندگی آن شود. همین امر سبب می‌شود تا نقش و جایگاه اندیشمندان و نخبگان دانشگاهی جهت استفاده از فرصت‌ها و پرهیز از چالش‌هایی نظیر سطحی‌نگری، اهمیتی دوچندان

یابد. اما ملاحظه تحولات اخیر مانند چالش‌هایی که پس از ناآرامی‌های عربی و خیزش‌های مردمی غرب آسیا و شمال آفریقا بویژه کشور مصر و تونس بوجود آمد، حکایت از آن دارد که بخش مهمی از نخبگان فکری و نهادهای علمی از جایگاه اصلی خود یعنی راهبری فکری جریانات و تنظیم مطالبات مردمی جهت هدایت در مسیر توسعه فاصله یافته‌اند.

با این توصیفات و با در نظر گرفتن واقعات جدید مانند نقش رسانه‌ها و فضای مجازی باید گفت نه تنها این مؤلفه‌ها دیگر به عنوان یک موضوع جانبی و حاشیه‌ای نیستند، بلکه لازم است تا در برنامه‌ریزی‌ها به منزله اجزای تعیین‌کننده در انواع معادلات خرد و کلان جوامع محسوب شوند.

در همین چشم‌انداز نخبگان و اندیشمندان در صورتی به مرجعیت فکری و راهبری جوامع خود نائل می‌شوند که بتوانند اولاً متناسب با ویژگی‌های اصیل جوامع، شناخت نیازها و مطالبات مردمی و ثانیاً با شناخت ظرفیت‌ها و شیوه‌های تعاملاتی جدید مانند فضای مجازی، ایده‌های خود را تبدیل به ارزش‌های فراگیر در جامعه نمایند. چنانچه نخبگان فکری در جایگاه واقعی خود جهت هدایت و خط‌دهی صحیح جامعه قرار بگیرند می‌توان انتظار داشت تا ظرفیت‌های جهان اسلام در مسیر توسعه و بالندگی و نهایتاً تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی بکار گرفته شوند. در مقابل باید گفت هر اندازه که نخبگان نسبت به نیازهای جامعه دور شده و یا از مقتضیات روز (مثل شناخت و درک تحولات جدید) فاصله بگیرند، امکان سردرگمی، رکود و عقب‌گرد در عرصه‌های مختلف شدت می‌یابد.



نمودار ۱-۴- نخبگان و تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی

با عنایت به نقش و جایگاه نخبگان در تحقق الگوی تمدن نوین اسلامی (جدول ۱-۴) می‌توان به ارائه راهکارهایی برای بازسازی و ایفای نقش مؤثر نخبگان دانشگاهی پرداخت. برخی از پیشنهادات در خصوص تقویت و بازیابی نقش نخبگان فکری در جامعه عبارتند از:

❖ آسیب‌شناسی دلایل کاهش نقش مراکز تولید علم به ویژه در تصمیم‌سازیهای

راهبردی

❖ تقویت نگاه حل مسئله به دانشگاه، مراکز علمی و نخبگان فکری (در سطوح

مختلف درون دانشگاهی و برون دانشگاهی)

- بازنگری و تغییر رویکرد دولت‌ها، تعامل سازمانهای اجرایی با مراکز علمی

- تحول از درون دانشگاه (ایجاد انگیزه، تقویت فرهنگ کار گروهی در حوزه

علم)

❖ آگاهی‌سازی عمومی و فرهنگ‌سازی نسبت به تخصص‌گرایی

کتابنامه

- بیانات رهبری، (۱۳۹۸)، دیدار با نخبگان و استعداد‌های برتر، قابل مشاهده در سایت <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=43704>
- دهشیار، حسین (۱۳۹۰)، *سیستم بین‌الملل، جهان عرب و مداخله نظامی*، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۹)، *آینده توسعه در خاورمیانه: چالش‌ها و چشم‌اندازها*، دوره ۴۰، شماره ۱ - شماره پیاپی ۲۷۳۹۷۸، پاییز.
- خرمشاد، محمدباقر، آدمی، علی (۱۳۸۸)، *انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز، فصلنامه سیاست*، دوره ۲، شماره ۲ - شماره پیاپی ۶، صص ۱۸۸-۱۶۱.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۸)، *هویت دینی و آینده همگرایی در جهان اسلام؛ موانع و راهکارهای پیش رو، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی ۴، صص ۹۳-۱۱۶.
- شیخ زاده، حسین و رضائیان، جویباری (۱۳۹۷)، *دانشگاه و تمدن ایرانی - اسلامی*، دومین کنفرانس سالانه پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، تهران: پژوهشکده مدیریت و توسعه پژوهشگاه فرهنگ و هنر، قابل مشاهده در https://www.civilica.com/Paper-ACHSCONF02-ACHSCONF02_021.html
- خانی، بهاره، درویشی، بابک (۱۳۹۹)، *نقش نخبگان بر تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی با تأکید بر نظام جمهوری اسلامی ایران، رهیافت انقلاب اسلامی*، پاییز، شماره ۵۱، صص ۶۷-۹۲.
- کاظمی، سید آصف (۱۳۹۷)، *چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۵-۴۹.

کنز العمال: حدیث ۲۸۷۲۹ و منتخب میزان الحکمه: ۳۹۸ مشاهده شده سایت در

تاریخ ۹۹/۰۷/۱۲

<http://www.hadithlib.com/hadithtxts/view/1204486>

گی روشه (۱۳۹۵)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ پنجم.

وندل بل (۱۳۹۶)، *مبانی آینده پژوهی*، ترجمه مصطفی تقوی، محسن محقق، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، چاپ سوم.

مکارم شیرازی، آیت الله و همکاران (۱۳۷۱) *تفسیر نمونه*، جلد ۲۲، تهران: دارالکتب الاسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، چاپ ۵۴، نشر صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، *فطرت*، چاپ نهم، تهران: انتشارات صدرا.

منور جمال رشید (بی تا)، *مدارس قدیم اسلامی*، لاهور، ۱۳۸-۱۱۴ قابل مشاهده در

سایت <http://wiki.ahlolbait.com>

https://www.ilo.org/global/about-the-ilo/multimedia/maps-and-harts/enhanced/WCMS_598674/lang--en/index.htm.

<https://www.timeshighereducation.com/student/news/25-us-universities-mostinternational-students>.

Ghavamabadi, M. and others. (2015). the model of scientific Excellency of Islamic Republic of Iran based on Supreme Leader idea. *Basij Strategic Studies*, 18(68), pp. 5-30.(in Persian).

Verger, Jacques: "Patterns", in: Ridder-Symoens, Hilde de (ed.): *A History of the University in Europe. Vol. I: Universities in the Middle Ages*, Cambridge University Press, 2003, ISBN 978-0-521-54113-8, pp. 35-76 (35).